

کیفر خواست پرونده «سرباز بابلی» صادر شد

کیفرخواست باز پرس دادسرای بابل که متهم است با سرباز بابلی به نام محمد حسن کریمی پدرفتاری کرده است از سوی مقام قضایی صادر شده است.

به گزارش فارس، در آذر سال گذشته خبری مبنی بر پدرفتاری باز پرس دادسرای بابل نسبت به سرباز وظیفه محمد حسن کریمی منتشر شد. در همان ایام نیز با اعلام کریمی، جلسهای با رئیس کل دادگستری مازندران و دادستان بابل تشکیل شد و در این جلسه باز پرس بابلی از سرباز و پدرش عذر خواهی کرد و محمد حسن کریمی نیز رضایت داد.

از سوی دیگر از همان اوایل انتشار خبر برخورد ناپسند باز پرس با سرباز بابلی، با دستور رئیس قوه قضائیه برای باز پرس خاطی پرونده تشکیل شد.

با این حال به نظر می‌رسد به‌رغم رضایت سرباز بابلی، رسیدگی به اقدام باز پرس بابلی از حیث جنبه عمومی اقدام وی در جریان است و قوقضائیه نسبت به برخورد قانونی با باز پرس متخلف اصرار دارد و داد گاه کیفر خواست وی را صادر کرده است.



مرد شیطان صفت به دام پلیس افتاد

مردی که برای تعمیر لوازم خانگی وارد خانه یکی از مشتریان شده بود پس از سرقت طلاهای زن صاحبخانه به او تعرض کرد. به گزارش جوان، چند روز قبل زوج جوانی در تهران به دادرسی ویژه سرعت رفتند و از مردی به اتهام سرقت و آزار و اذیت شکایت کردند.

زن جوان در توضیح ماجرا گفت: چند روزی بود که یکپج خانه‌مان خراب شده بود و آب گرم نداشتیم که با تعمیر کاری تماس گرفتیم و او هم برای تعمیر به خانه ما آمد. آن روز شوهرم خانه بود که مرد تعمیر کار پس از عیب‌یابی مدعی شد که باید اول لوازم مورد نیاز را از بازار تهیه کند و بعد دوباره برای تعمیر به خانه ما بیاید. روز بعد در حالی که شوهرم محل کارش بود مرد تعمیر کار با وسایلی که خریده بود وارد خانه ما شد و در بالکن خانه مشغول تعمیر شد. لحظاتی گذشت و من هم مشغول نظافت بودم که از بالکن به داخل خانه آمد و با آچار بزرگ و پیچ گوشتی که همراه داشت به طرف من حمله کرد. وقتی متوجه نیت شوم او شدم با داد و فریاد درخواست کمک کردم که مرد شیطان صفت مرا تهدید به قتل کرد و وقتی دید من به تهدیدهای او توجهی ندارم با پیچ گوشتی چند ضربه محکم به من زد.

من تسلیم او نشدمد که وی با وسایل تعمیراتش به من ضربات محکمی زد که به شدت زخمی شدم و در نهایت هم به زور مرا مورد آزار و اذیت قرار داد اما این پایان ماجرا نبود چون مرد ابلیس وقتی با مقاومت من روبه‌رو شد دست و پايم را با زور سیست و مرا داخل اتاق حبس کرد و در آخر هم با آچار ضربه محکمی به سرم زد که می‌هوش شدم.

وی ادامه داد: وقتی به هوش آمدم روی تخت بیمارستان شوهرم را بالای سرم دیدم که پس از بازگشت از محل کارش جان مرا نجات داده بود. تیم پزشکی گفت ضربه مرد تعمیر کار به سرم، ضربه کاری بوده و اگر شوهرم کمی دیرتر به خانه باز می‌گشت و من دیر تر به بیمارستان می‌رسیدم بر اثر همان ضربه فوت می‌کردم.

وی در پایان گفت: پس از اینکه از بیمارستان مرخص شدم و به خانه‌ام رفتم متوجه شدم مرد شیطان صفت پس از اینکه مرا می‌هوش می‌کند تمامی طلاها و پولهایم را و سرقت و از خانه فرار می‌کند.

■ **دستگیری متهم**

با شکایت زوج جوان تیمی از مأموران پلیس به دستور قاضی پرونده برای دستگیری متهم وارد عمل شدند. بررسی‌ها نشان داد متهم پس از حادثه مفازماش را بسته و به خانه‌اش تفرقت است. همچنین مشخص شد وی برای اینکه شناسایی نشود تلفن همراهش را نیز خاموش کرده است. بدین ترتیب مأموران تحقیقات فنی خود را برای دستگیری مرد شیطان صفت آغاز کردند و موفق شدند خیلی زود وی را در مخفیگاهش به دام بیندازند.

متهم پس از دستگیری به جرم خود اقرار کرد و مدعی شد که لحظه حادثه شیطان او را وسوسه کرده بود.

وی گفت: تعمیر کار یکپج هستم و برای تعمیرات به خانه‌های مردم رفت و آمد دارم. قبل از حادثه چند باری برای تعمیر به خانه شاکی رفته بودم اما هر بار همسرش در خانه بود. روز حادثه پس از اینکه لوازم را از بازار تهیه کردم و به خانه آنها رفتم متوجه شدم که شاکي در خانه نیست و شوهرش سر کار است. همان لحظه شیطان مرا وسوسه کرد که او را آزار دهم و طلاهایش را سرقت کنم. به همین خاطر با آچار و پیچ گوشتی به او حمله کردم که در مقابل من مقاومت و با داد و فریاد درخواست کمک کرد که با آچار ضرباتی به سرش زدم وی هوش شد. سپس اموال او را سرقت کردم و از محل گریختم.

متهم پس از اعتراف به جرم خود روانه داداشگاه شد و پرونده وی از جنبه آزار و اذیت به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و از جنبه سرقت هم برای رسیدگی در اختیار باز پرس دادسرای ویژه سرعت قرار گرفت. تحقیقات از متهم ادامه دارد.

حصولات

سرویس حوادث ۸۸۹۸۴۳۵

قاتل بوستان زیتون: چشم در چشم شدیم!

پسری که پس از ارتکاب قتل در بوستان زیتون از محل

متواری شده بود، وقتی بازداشت شد ادعا کرد به خاطر چشم در چشم شدن دست به چاقو برده و حادثه را رقم زده است.

به گزارش جوان، شامگاه سه شنبه هفدهم فروردین قاضی ساسان غلامی باز پرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلانتری ۱۴۰ باغ فیض از مرگ مشکوک پسر جوانی در یکی از بیمارستان‌های غرب تهران با خبر و همراه تیمی از کاراگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شد.

تیم جنایی روی تخت بیمارستان با جسد پسر ۱۷ساله‌ای به نام پیمان روبه‌رو شدند که حکایت از آن داشت در درگیری با پسر ۱۷ساله دیگری به نام پرویز با اصابت ضربه چاقو به قتل رسیده است.

بررسی‌های تیم جنایی حکایت از آن داشت پیمان و پرویز که بچه یک محل هستند از مدتی قبل به خاطر موضوعی با هم اختلاف پیدا می‌کنند تا اینکه پس از چند بار مشاجره لفظی و کُری‌خوانی روز حادثه در بوستان زیتون حوالی غرب تهران با هم قرار درگیری می‌گذارند. لحظه حادثه پیمان با دوستانش داخل بوستان هستند که پرویز با موتورسیکلتش وارد بوستان می‌شود و با ضربه‌ای چاقو او را به قتل می‌رساند و از محل فرار می‌کند.

مأموران پلیس وقتی متوجه شدند قاتل پس از حادثه به مکان نامعلومی گریخته است، مادر وی را برای تحقیق و بازجویی به دادرسی امور جنایی منتقل کردند.

وی در تحقیقات پلیسی گفت: دخترم خردسال بود و پرویز هم یک و نیم سال داشت که شوهرم مرا طلاق داد. فرزندمان را بزرگ کردم اما پرویز مشکل روحی و روانی پیدا کرد و به همین دلیل چندباری در بیمارستان بستری‌اش کردم. او حتی یک بار آنقدر مرا کتک زد که در پرگاه مرگ قرار گرفتم و از او شکایت کردم اما بعد به خاطر حس مادی رضایت دادم. مدتی قبل هم از من خواست برای او ماشین بخرم و مرا تهدید به اسیدپاشی کرد که در خانه گریختم و برای ادامه زندگی به خانه خواهرم رفتم که الان متوجه

شدم او مر تکب قتل شده است.

■ **دستگیری قاتل**

تحقیقات مأموران پلیس نشان داد قاتل پس از حادثه به یکی از شهرهای اطراف تهران گریخته و در آنجا مخفی شده است. در حالی که مأموران پلیس در یک قدمی دستگیری قاتل فراری بودند، پرویز بامداد روز پنج شنبه ۱۹ فروردین به کلانتری ۱۴۰ باغ فیضی رفت و خودش را تسلیم پلیس کرد.

متهم پس از انتقال به دادسرای امور جنایی تهران با اظهار پشیمانی به قتل پیمان اعتراف کرد و گفت: من و پیمان بچه یک محل بودیم و از قبل مشکلی باهم نداشتیم تا اینکه چند ماه قبل در بوستان زنبق اولین جرقه اختلاف ما زده شد.

بوستان زنبق باتوق من و دوستانم بود و از طرفی پیمان هم همیشه همراه دوستانش به بوستان زنبق می‌آمد. آن روز من همراه دوستانم در پارک نشسته بودیم و با هم حرف می‌زدیم و می‌خندیدیم که پیمان و دوستانش از کنار ما رد شدند. او لحظای به چشم من نگاه کرد و ما چشم در چشم شدیم. فکر کردم قصد تمسخر مرا دارد و آن لحظه لعنتی چشم در چشم شدن باعث شد ما از هم کینه به دل بگیریم.

مشاجره لفظی ما هر چند با میناجگیری دوستان به پایان رسید، اما کینه بچگانه ما هر روز از هم بیشتر می‌شد به طوری که در فضای مجازی هم برای یکدیگر کُری‌خوانی می‌کردیم.

وی ادامه داد: پس از این هر وقت یکدیگر را می‌دیدیم مشاجره لفظی و کُری‌خوانی می‌کردیم تا اینکه چندی قبل با هم درگیری فیزیکی پیدا کردیم. آن روز او مرا با زنجیر کتک زد و همین موضوع باعث شد که کینه‌ام از او بیشتر شود و به فکر انتقام باشم. روز حادثه متوجه شدم او همراه دوستانش به بوستان زیتون رفته است که با موتور سیکلتم به آنجا رفتم و با هم در گیر شدیم. من عصبانی بودم با چاقو ضربه‌ای به او زدم. می‌خواستم او را بترسانم و نمی‌دانستم که ضربه من او را به قتل می‌رساند. وقتی خونین روی زمین افتاد از ترس فرار کردم و در یکی از



شهرهای اطراف مخفی شدم تا اینکه متوجه شدم پیمان فوت کرده و مأموران پلیس هم در تعقیب من هستند. خیلی پشیمان شدم اما دانستم که پشیمانی فایده‌ای ندارد که تصمیم گرفتم و خودم را به پلیس معرفی کردم.

متهم در ادامه برای تحقیقات بیشتر در اختیار دادسرای ویژه اطفال و نوجوانان قرار گرفت.

امید قاتل تبر به دست به رهایی از مرگ

متهم در آن باغ به عنوان سرایدار مشغول کار شدم. چند ماه اول کار، رضا به موقع حقوقم را پرداخت می‌کرد، اما این چند ماه اخیر او را ریز حقوقم طفره می‌رفت و مدام امروز و فردا می‌کرد.»

متهم ادامه داد: «این گذشت تا اینکه چند روز قبل از حادثه رضا به دیدنم آمد و از من خواست خانه را تخلیه کنم. به او گفتم اول چند ماه حقوق عقب افتاده‌ام را پرداخت کن، اما او دوباره از پرداخت حق و حقوقم خودداری کرد و گفت پولی ندارد. با شنیدن این حرف عصبانی شدم که پس از مشاجره لفظی کار به درگیری کشید. در آن درگیری او شروع به فحاشی کرد به همین خاطر کنترل اعصابم را از دست دادم و تبری که در خانه داشتم برداشتم و چند ضربه به سرش زدم. رضا غرق خون روی زمین افتاد. وقتی او را در این شرایط دیدم ترسیدم و از ترس باغ را ترک کردم و گریختم اما یک هفته بعد دستگیر شدم.»

متهم پس از اقرار به قتل و بازسازی صحنه جرم راهی زندان شد و پرونده بعد از کامل شدن تحقیقات به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

پرونده در نوبت رسیدگی روی میز هیئت قضایی یکی از شعبات دادگاه قرار گرفت.

سرایداری که ۱۳سال قبل مرد صاحبخانه

را به خاطر پرداخت نکردن حقوقش با ضربات تبر به قتل رسانده بود، به دلیل عدم پیگیری اولیای دم با نوشتن نامه‌ای از دادگاه در خواست تعیین تکلیف کرد.

به گزارش جوان، اسفندسال ۸۷، مأموران پلیس شهرستان شهریار با تماس تلفنی شهروندی از قتل مرد میانسالی در خانه‌اش باخبر و راهی محل شدند. بررسی‌های اولیه نشان می‌داد جسد متعلق به رضا ۶۵ساله است که بر اثر ضربات با جسم سخت کشته شده است.

با انتقال جسد به پزشکی قانونی، مأموران پلیس در روند تحقیقات دریافتند رضا از مدتی قبل با سرایدارش به نام جلیل اختلاف داشته‌است. به این ترتیب جلیل به عنوان اولین مظنون تحت تعقیب قرار گرفت، اما مشخص شد وی هم‌زمان با کشته شدن مرد صاحبخانه به مکان نامعلومی گریخته است.

یک هفته از حادثه گذشت تا اینکه جلیل شناسایی و بازداشت شد. او به پلیس آگاهی منتقل شد و در روند بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد و در شرح ماجرا گفت: «رضا باغی داشت و در آن باغ به تنهایی زندگی می‌کرد. چند سال



استفاده از موتورسیکلت در ۶۰ درصد جرائم

رئیس پلیس آگاهی تهران با بیان اینکه ۶۰درصد جرائم با موتورسیکلت انجام می‌شود، بر ضرورت ساماندهی موتور ها تأکید کرد.

به گزارش جوان، سردار علیرضا لطفی در نشست خبری در توضیح برنامه‌های پلیس آگاهی در سال جدید گفت: «یکی از برنامه‌های جدی پلیس آگاهی در سال ۱۴۰۰ کنترل مجرمان سابقه‌دار است. پلیس با رصد افراد سابقه‌دار و حرفه‌ای برنامه‌های جدی برای کنترل و کشف پیش دسته‌خواهد داشت. همچنین کشف علمی جرم، تقویت برنامه‌های تیم‌های صحنه جرم و افزایش گشتی‌های پلیس آگاهی از دیگر اقدامات برنامه‌ریزی شده برای سال ۱۴۰۰ است. همچنین یکی از چالش‌های ما محکومان امنیتی و متواری هستند، لذا در سال جاری تمرکز ویژه برای ردیابی و دستگیری آنها را خواهیم داشت.»

وی در ادامه رصد جرائم در فضای مجازی را از دیگر اقدامات پلیس آگاهی عنوان کرد و گفت: «با توجه به شرایط شیوع کرونا و توسعه اینترنت در کشور، همچنین عدم آگاهی بسیاری از مردم از فرآیندهای خرید و فروش در فضای مجازی بسیاری از مجرمان، این فشار را به بستری برای ارتکاب جرائم خود تبدیل کرده‌اند، بنابراین رصد فضای مجازی در سال ۱۴۰۰ به طور ویژه در دستور کار پلیس آگاهی قرار خواهد گرفت.»

وی در پایان به ضرورت ساماندهی موتورسیکلت سواران اشاره کرد و گفت: «در بررسی پرونده‌ها، مشخص شد که ۶۰درصد جرائم از کیفیابی گرفته تا زاغ‌زنی با موتورسیکلت انجام می‌شود. بنابراین ساماندهی موتورسیکلت سواران ضرورت است که باید به آن توجه شود.»

مرد جوان در دریاچه کیو خرم آباد لرستان غرق شد

پسر جوان ۳۰ساله به دلیل آشنا نبودن با فنون شنا در دریاچه کیو خرم آباد غرق شد.

به گزارش ایرنا مهرداد فلاح، رئیس سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری خرم‌آباد گفت: ساعت۱۴:۱۵ روز جمعه تیم نجات غریق و غواصی سازمان آتش‌نشانی خرم‌آباد در جریان غرق شدن مرد ۳۰ساله در دریاچه کیو قرار گرفتند و به محل حادثه اعزام شدند.

وی ادامه داد: تیم نجات پس از لحظاتی جست‌وجو پیکر نیمه‌جان جوان غرق شده را از آب بیرون کشیدند، اما به‌رغم تلاش پزشکان برای احیا، مرد جوان جان خود را از دست داد.

فوت عابر پیاده در تصادف با خودرو

برخورد عابر پیاده حسین عبور از عرض بزرگراه زین‌الدین با یک دستگاه خودروی سواری مرگ او را رقم زد. به گزارش جوان، شامگاه پنج‌شنبه، مأموران پلیس تهران در برخورد یک دستگاه خودروی سواری پژو با عابر پیاده در غرب به شرق بزرگراه زین‌الدین باخبر و راهی محل شدند. بعد از حضور مأموران در محل بررسی‌های اولیه نشان داد عابر پیاده که قصد عبور از عرض بزرگراه را داشته بدون توجه به خطرات ناشی از آن، اقدام به عبور از عرض بزرگراه می‌کند که بعد از برخورد با یک دستگاه خودروی سواری در دم فوت می‌کند. ادامه بررسی‌ها نشان داد علت فوت شدن ضربه وارده به سر عابر پیاده بوده است.

کلاهبرداری میلیاردی از شوهر خواهر

یکی از دو برادری که با هم دوستی دایی‌شان با فروش آپارتمانی از شوهر خواهر شان کلاهبرداری میلیاردی کرده بودند دستگیر شد.

به گزارش جوان، ۱۳ر ماه امسال، مرد جوانی با مراجعه به اداره پلیس از دو برادر زنش به اتهام کلاهبرداری شکایت کرد و در توضیح به مأموران گفت: «مردادسال ۹۸ که دستگاه آپارتمان از برادران همسر به نام‌های حمید و مجید به مبلغ ۲۸میلیارد ریال واقع در منطقه الهیه تهران خریداری کردم. بعد از پرداخت مبلغ معامله دو برادر برای تنظیم سند طفره می‌فتمند و می‌گفتند سند کم شده است. بعد از چند ماه متوجه شدم آنها همین ملک را به دو نفر دیگر به نام‌های نادر و مهدی به مبلغ ۷۰میلیارد ریال فروخته‌اند اما سند را به نام من منتقل کرده‌اند حالا آنها خبری نیست و از پلیس در خواست کمک دارم.» با طرح این شکایت دو برادر تحت تعقیب قرار گرفتند تا اینکه مخفیگاه آنها شناسایی و با دستور قضایی یکی از برادران به نام مجید دستگیر شد. با دستگیری وی اما مشخص شد برادر او به نام حمید از محل سکونتش متواری شده است. با انتقال متهم به پلیس آگاهی وی تحت بازجویی قرار گرفت. مرد جوان با اقرار به جرمش مدعی شد دایی‌اش به نام داوود طراح نقشه است. او همچنین مدعی شد ملک را به غیر از نادر و مهدی به فرد دیگری به نام شهروز به مبلغ ۷۵میلیارد ریال نیز فروخته‌اند.

به مبلغ کار آگاه سپیدعلی شریفی، رئیس پایگاه یکم پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: «اقرارهای متهم، دایی او به نام داوود تحت تعقیب قرار گرفت تا اینکه بعد از شناسایی مخفیگاهش، وی در یکی از مناطق شمالی تهران دستگیر شد.

صدرال قرار مجرمیت متهمان و اقرار به جرمشان هر دو به دادسرا منتقل و با سرهنگ شریفی در پایان گفت: «تلاش برای دستگیری متهم فراری ادامه دارد.»

مفقودی

برگ سبز، برگ کمپانی، پنجاق و کالت فروش خودرو و سمند تیپ LXXU۷ مدل ۱۳۹۹رنگ سفید روغنی شماره پلاک (ایران) ۳۰ ۲۲۷س ۶۴) به شماره موتور ۱۲۴K1۴۵۸۵۷۱ و شماره شاسی ۲۲۹۱۲۰۵۴۲۴NAAC۹۱CE۳LF۶۸۹۶۲۴ متعلق به میترا معمار خاصه مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. البرز

((آگهی ابلاغ رای غیابی))

بدین وسیله طی دادنامه شماره ۱۴۱۱/۰۴۷۰۰۲۱۷۰۰۱۳۹۹۰۰ مورخ ۹۹/۱۲/۱۳ قاجاق دارو، نخل خرما و گوشی تلفن همراه و متواری بودن مالک مستندا به تبصره دو ماده ۴۳ و تبصره یک ماده ۵۳ و قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۹۲/۱۰/۰۳ مجلس شورای اسلامی به نفع نهاد ماذون از سوی ولی فقیه مصادر گردیده لذا چنانچه به مدت بیست روز از انتشار آگهی در صورت مراجعه مالک قابل واخواهی در همین شعبه خواهد بود در صورت عدم واخواهی در موعد مقرر وقف ماده ۵۰ قانون فوق اقدام خواهد شد.

فرامرز حسن پور

رییس اداره و رییس شعبه اول بدوی تعزیرات حکومتی شهرستان آبادان

مفقودی

برگ سبز و کارت خودرو دنا پلاس مدل ۹۹ پلاک ۷۶۸-۷۳، ش موتور ۱۱۱۴e۲۴۴۱۱۴naaw۶۱hu۲۴۴۱۱۴ ش شاسی ۱۱۱۴e۲۴۴، به نام: حمید کلانتری شماره ملی ۲۲۸۲۰۵۴۰۲۴ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

((آگهی احضار متهم))

نظر به کشف مقدار ۸۵۰ لیتر نفت گاز مجهول المالك موضوع گزارش شماره ۵۷۲۵/۳۰۹۰/۹۹/۵۷ مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۱۷ معاونت عملیات پایگاه ردیابی این شهرستان در شعبه ویژه رسیدگی به تخلفات قاچاق کالا و ارز تعزیرات حکومتی شهرستان آبادان پرونده به شماره ۰۰۰۳۳۷۰۰۰۱۱۷۰۰۱۴۰۰۰ قاجاق کالا و ارز تحت نظر است با التفات به این که ابلاغ اوراق احضار به بواسطه نامعلوم بودن محل اقامت مالک میسر نگردیده و اقدامات این شعبه جهت شناسایی صاحب کالاها به نتیجه نرسیده است. فلذا بدینوسیله در اجرای ماده ۱۷۴ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۹۲/۱۲/۰۴ مجلس شورای اسلامی مراتب به متهم با متهمین مالک کالا های موصوف ابلاغ تا ظرف مدت یک ماه از تاریخ درج آگهی، در شعبه ویژه رسیدگی به تخلفات قاچاق کالا و ارز تعزیرات حکومتی این شهرستان به منظور پاسخگویی و دفاع از اتهام انتسابی حاضر گردد به نحوی که پس از انقضای یک ماه از تاریخ انتشار این آگهی در صورت عدم حضور مطابق با قانون آئین دادرسی کیفری تصمیم غیابی اتخاذ می گردد.

فرامرز حسن پور

رییس اداره و رییس شعبه اول بدوی تعزیرات حکومتی شهرستان آبادان

مفقودی

برگ سبز خودرو دنا پلاس اتومات سفید مدل ۹۹ پلاک ۹۳-۹۸۵ و ۹۳ ش موتور ۱۲۴۴۸۶۳۴naaw۶۱hu۲۴۴۸۶۳۴ ش شاسی ۱۲۴۴۸۶۳۴، به نام: علی احمدزاده کد ملی: ۲۲۹۱۰۹۵۸۳۸ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است

((آگهی احضار متهم))

نظر به کشف تعدادی تعداد ۱۵۰ قطعه کبک و ۴۰ قطعه بلبل خرمایی مجهول المالك موضوع گزارش شماره ۵۷۲۵/۳۰۹۰/۹۹/۴۴ مورخ ۹۹/۱۱/۲۹ معاونت عملیات پایگاه ردیابی این شهرستان در شعبه ویژه رسیدگی به تخلفات قاچاق کالا و ارز تعزیرات حکومتی شهرستان آبادان پرونده به شماره کلاسه ۰۰۰۱۲۰۹۰۰۴۷۰۰۰۱۱۷۰۰۱۳۹۹۰۰ قاجاق کالا و ارز تحت نظر است با التفات به این که ابلاغ اوراق احضار به بواسطه نامعلوم بودن محل اقامت مالک میسر نگردیده و اقدامات این شعبه جهت شناسایی صاحب کالاها به نتیجه نرسیده است. فلذا بدینوسیله در اجرای ماده ۱۷۴ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۹۲/۱۲/۰۴ مجلس شورای اسلامی مراتب به متهم با متهمین مالک کالا های موصوف ابلاغ تا ظرف مدت یک ماه از تاریخ درج آگهی، در شعبه ویژه رسیدگی به تخلفات قاچاق کالا و ارز تعزیرات حکومتی این شهرستان به منظور پاسخگویی و دفاع از اتهام انتسابی حاضر گردد به نحوی که پس از انقضای یک ماه از تاریخ انتشار این آگهی در صورت عدم حضور مطابق با قانون آئین دادرسی کیفری تصمیم غیابی اتخاذ می گردد.

فرامرز حسن پور

رییس اداره و رییس شعبه اول بدوی تعزیرات حکومتیشهرستان آبادان